

توانمندسازی سکونت‌گاه‌های غیررسمی با گذر از رویکرد نیازمنا به دارایی مبنا؛ (مورد کاوی محله فرحزاد تهران)^۱

رضا خیرالدین*، علیرضا صلاحی مقدم**

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۱

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۲/۱۸

چکیده

رویکردهای ساماندهی اسکان‌های غیررسمی بر نیازهای سکونت‌گاه‌ها، یعنی تفکر تأمین نیاز و خدمات متمرکز بوده و توجه کمتری به سرمایه‌ها و توانمندی‌های ساکنان این سکونت‌گاه‌ها شده است. لذا رویکردهای توسعه مبتنی بر اجتماعات محلی در بین برنامه‌ریزان رواج یافته است. در سیاست توسعه دارایی‌مبنا، توسعه بر پایه سرمایه‌های محلی و با کمترین دخالت‌های دولت صورت می‌گیرد. لذا هدف مقاله واکاوی رویکرد توسعه دارایی‌مبنا به منظور ساماندهی سکونت‌گاه‌های غیررسمی با انتخاب اسکان غیررسمی محله فرحزاد در شمال غرب تهران است. این پژوهش با رویکرد ترکیبی (کمی - کیفی)، به لحاظ ماهیت در دسته پژوهش‌های توصیفی-تحلیلی قرار می‌گیرد. به منظور برداشت دارایی‌های محله فرحزاد از روش مطالعه اسناد، پیمایش‌های میدانی و مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته با کنشگران محلی و ساکنین استفاده شده است. تعداد ۹۳ خانوار برای پرسشنامه و مصاحبه به‌طور تصادفی انتخاب شده‌اند و تحلیل داده‌ها با روش تحلیل محتوا انجام گرفته است. نتایج نشان می‌دهد وجود شبکه‌های نسبتاً قدرتمند غیررسمی بین نهادهای مردمی فعال، نهادهای مذهبی و ساکنان و قومیت‌ها، سرمایه اجتماعی بالا و رودرده فرحزاد و سرمایه‌های کالبدی محله از دارایی‌های این محدوده هستند. متناسب با دارایی‌های مطالعه و احصا شده، برنامه‌های اولویت‌دار و نهادهای مجری مشخص شده‌اند تا با اجرای برنامه‌ها بهبود شرایط زیست و معیشت و کاهش آسیب‌های اجتماعی در محله فرحزاد محقق گردد.

واژگان کلیدی: سکونت‌گاه‌های غیررسمی، توسعه دارایی‌مبنا، سرمایه اجتماعی، محله فرحزاد تهران.

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد شهرسازی دانشجو خانم لیلا بلندی، به راهنمایی دکتر رضا خیرالدین و با همکاری دکتر علیرضا صلاحی مقدم تهیه و تدوین شده است.

* دانشجویار شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) reza_kheyroddin@iust.ac.ir
** مربی شهرسازی دانشگاه فردوسی مشهد. خراسان رضوی، ایران. alireza.salahi@gmail.com

۱. مقدمه

بانک جهانی در دهه ۱۹۸۰ رهیافت توانمندسازی را برای ساماندهی اسکان‌های غیررسمی مطرح کرد که جایگزین رویکردهای تخلیه، تخریب، دادن زمین و خدمات و بهسازی‌های کالبدی شد. این رویکردها با قرار دادن اجتماعات ساکن در این مناطق در جایگاه نیازمند، مانع از رشد و توسعه آن‌ها به شکلی درون‌زا شده و در واقع نیازمنا عمل می‌نمودند. به موازات تکامل رهیافت توانمندسازی و گسترش رویکردهای اجتماع‌محور، توسعه‌ی اجتماعات محلی و اسکان‌های غیررسمی به سمت نگرش دارایی‌مبنا سوق پیدا کرده است. نگرش «توسعه دارایی‌مبنای اجتماعات»^۱، برخلاف دیدگاه رایج که سکونت‌گاه‌های غیررسمی را تنها محل بروز ناهنجاری‌ها می‌داند، تلاش دارد تا توانمندی‌ها و سرمایه‌های اجتماعات محلی را معرفی کرده و برنامه توسعه را مبتنی بر آن‌ها و با خود مردم تهیه کند. با توجه به آنچه گفتیم این مقاله تلاش می‌کند سیاست توسعه دارایی‌مبنا را برای ساماندهی سکونت‌گاه‌های غیررسمی مورد واکاوی قرار دهد.

پیرو این موضوع، سکونت‌گاه غیررسمی فرحزاد، واقع در شمال غرب شهر تهران به‌عنوان مورد مطالعه انتخاب شده است. این محله در گذشته به‌صورت روستایی با فاصله از شهر تهران قرار داشته اما هم‌اکنون به سبب رشد و گسترش کالبدی شهر تهران، از محلات این شهر به حساب می‌آید. بخشی از این محله به‌صورت غیررسمی و در کنار رود دره فرحزاد رشد یافته است. در طی سال‌های اخیر نهادهای غیردولتی و مردمی بسیاری در این محدوده شکل گرفته‌اند که بسیاری از آن‌ها توسط خود ساکنان و یا با همکاری و مشارکت آنان اداره می‌شود. درعین حال نیز این سکونت‌گاه با مشکلات متعددی نظیر آمار بالای اعتیاد، کودکان کار و انواع بزهکاری‌ها و ... مواجه است، از همین رو پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که چگونه می‌توان با استفاده از رویکرد توسعه دارایی‌مبنا، به ساماندهی و ارتقاء شرایط زندگی در محله فرحزاد تهران دست‌یافت؟ با داشتن این سؤال در ذهن، مقاله حاضر پس از تبیین ضرورت پژوهش و روش‌شناسی موضوع به اسکان غیررسمی و رویکردهای مواجهه با آن پرداخته است. سپس با تبیین مفهوم رویکرد دارایی‌مبنا، در بستر مورد مطالعه گام برمی‌دارد تا به برنامه‌های ساماندهی محله فرحزاد تهران نائل گردد.

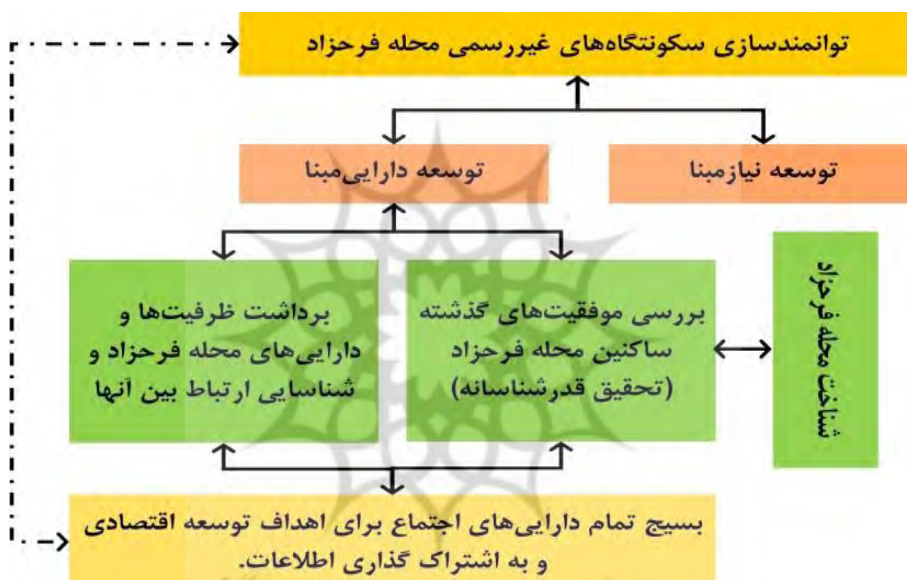
۲. اهمیت و ضرورت پژوهش

سکونت‌گاه‌های غیررسمی به علل مختلفی محل بروز ناهنجاری‌هایی هستند، اما تعمیم این مسئله به کل ساکنان، سبب می‌شود تا این نواحی همچون لکه سیاهی بر پیشانی شهر دیده شود. از این رو «برعکس پندار ناروای بسیاری که دائماً نیز تکرار می‌شود، اجتماعات اسکان غیررسمی نه معضل شهری یا معضل اجتماعی بلکه راه‌حل بسیار مهم زندگی تهیدستان و گروه‌های کم‌درآمد است» (پیران، ۱۳۸۷: ۱۷). درعین حال نیز باید در خاطر داشت که نمی‌توان بدون در نظر گرفتن دارایی‌های ساکنان هر محله و ویژگی‌های سکونت در آن محدوده که بدون شک با دیگر نواحی متفاوت است، اقدام به برنامه‌ریزی نمود. در صورت داشتن نگرش از بالا به پایین، توسعه نمی‌تواند به صورت درون‌زا اتفاق بیفتد و حتی اگر بهبودی هم رخ دهد، بافت‌های مسئله‌دار شهری همواره در جایگاه نیازمند و برنامه‌ریزان و مسئولان در جایگاه خدمت‌رسان باقی می‌مانند. در نظر نگرفتن سرمایه‌های ساکنان سکونت‌گاه‌های غیررسمی در فرآیند ساماندهی و صرف پرداختن به ناهنجاری‌ها و نیازهای آن‌ها جز سرعت بخشیدن به دور باطل فقر و پررنگ‌تر نمودن فرهنگ نیازمندی در این جوامع کاری از پیش نمی‌برد. لذا ضرورت دارد تا با نگاهی دارایی‌مبنا و بدون توجه صرف به نیازها، به ارائه برنامه‌ای با مردم و مبتنی بر سرمایه‌های محلی آن‌ها پرداخته شود.

۳. روش‌شناسی

پژوهش حاضر در زمره پژوهش‌های ترکیبی (کمی - کیفی) و از نظر ماهیت در دسته پژوهش‌های توصیفی-تحلیلی قرار می‌گیرد. به منظور جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش از مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای و نیز بررسی میدانی استفاده شده است. ابزارهای اصلی جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش عبارت‌اند از: مشاهده مستقیم، پرسشنامه و مصاحبه عمیق. با توجه به اینکه بخشی از محله فرحزاد تهران به صورت غیررسمی و در کنار رود دره فرحزاد رشد یافته و این سکونت‌گاه با چالش‌هایی در زمینه‌های متعدد به‌ویژه آسیب‌های اجتماعی (آمار بالای اعتیاد، کودکان کار و انواع بزهکاری‌ها) مواجه است این محله به‌عنوان مطالعه موردی انتخاب شده است. با توجه به مراحل توسعه دارایی‌مبنا، این پژوهش در سه مرحله انجام شده است: مرحله اول؛ بررسی موفقیت‌های گذشته ساکنان محله فرحزاد (تحقیق قدرشناسانه). در این مرحله مصاحبه با ساکنان قدیمی انجام شده است و از روش تحلیل محتوا برای تحلیل استفاده شده است. مرحله دوم؛ برداشت ظرفیت‌ها و دارایی‌های محله فرحزاد و شناسایی ارتباط بین آن‌ها. این مرحله از طریق ابزار پرسشنامه و

مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با اهالی و مسئولین محلی موردسنجش قرار گرفته است. با توجه به حضور تعداد ۳۰۰۰ خانوار در محله، ۹۳ نمونه خانوار با استفاده از فرمول کوکران با سطح خطای ۱۰ درصد انتخاب شده است. به‌منظور تحلیل داده‌های پرسشنامه از نرم‌افزار SPSS و آزمون آماری تک‌نمونه‌ای T استفاده شده است. مرحله سوم؛ بسیج تمام دارایی‌های اجتماع برای اهداف توسعه اقتصادی و به اشتراک‌گذاری اطلاعات که شامل جمع‌بندی و ارائه راهکارهای ساماندهی است. بر اساس مسیر پژوهش و مراحل توسعه دارایی‌مبنا که در بالا موردبررسی قرار گرفت، مدل مفهومی پژوهش مطابق شکل زیر است؛



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش (گذر از توسعه نیاز مبنا به توسعه دارایی‌مبنا)

۴. پیشینه پژوهش

تاکنون مطالعات متعددی در زمینه ساماندهی سکونت‌گاه‌های غیررسمی با رویکرد سیاست توسعه دارایی‌مبنا انجام شده است. در زیر به تعدادی از این مطالعات اشاره شده است: پیری و رضاییان (۱۳۹۳) در مقاله «امکان‌سنجی توانمندسازی سکونت‌گاه‌های غیررسمی بر بنیان سیاست‌های دارایی‌مبنا توسعه اجتماعات محلی» به بررسی تأثیر سیاست توسعه دارایی‌مبنا در توانمندسازی سکونت‌گاه‌های غیررسمی تبریز پرداخته‌اند. طبق یافته‌های این پژوهش، دارایی‌های ساکنین این محله‌ها بر روند توانمندسازی آن‌ها تأثیر به‌سزایی دارد. نتایج این پژوهش نشان داد که پروژه‌های توانمندسازی در واقع به‌مثابه

ابزاری برای مشارکت بیشتر سکونت‌گاه‌های غیررسمی در فرآیندهای شهری است که در صورت توجه به دارایی‌های گسترده اجتماعی - فرهنگی یا تقویت دارایی‌های محدود مالی ایشان، ساکنان این نوع سکونت‌گاه‌ها دیگر نه به‌مثابه معضل بلکه به‌عنوان بخشی از راه‌حل ایفای نقش خواهند نمود. این مقاله به بررسی رابطه بین سیاست‌های توسعه دارایی‌مبنا و توانمندسازی پرداخته است اما ظرفیت‌ها و دارایی‌های این سکونت‌گاه‌ها بررسی نشده و راهکاری نیز بر مبنای این توانمندی‌ها ارائه نداده است.

همچنین در مقاله‌ای با عنوان «نقش رویکرد دارایی‌مبنا در توسعه پایدار محلی»، رضازاده و همکاران (۱۳۹۲) نقش رویکرد دارایی‌مبنا در توسعه پایدار محلی از دو جنبه کالبدی و اجتماعی را مورد بررسی قرار داده‌اند. به این منظور، محله امامزاده حسن در شهر تهران به‌عنوان مطالعه موردی انتخاب شده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که بین سرمایه‌های محلی و پایداری محلی رابطه وجود دارد. در این پژوهش با فرض اینکه سرمایه‌های اجتماعی و کالبدی در دستیابی به توسعه پایدار محلی نقش دارند، شاخص‌ها مورد سنجش قرار گرفته‌اند. با استفاده از آزمون همبستگی، این نتیجه حاصل شده است که بین سرمایه‌های محلی و پایداری محلی رابطه وجود دارد. سرمایه‌های اجتماعی و کالبدی به‌عنوان مهم‌ترین دارایی‌های اجتماع محلی در نظر گرفته شده‌اند. بررسی رابطه بین کیفیت کالبدی محیط و تمایل به مشارکت سازمان‌یافته (متغیرهای وابسته) و سرمایه اجتماعی و کالبدی (متغیرهای مستقل) انجام شده است. شاخص‌های سرمایه اجتماعی در نظر گرفته شده عبارت‌اند از: احساس تعلق، مشارکت اجتماعی، اعتماد بین افراد، اعتماد نهادی و انسجام اجتماعی. در نهایت این نتیجه گرفته شده است که رویکرد دارایی‌مبنا سبب توسعه محلات می‌شود؛ اما قبل از هر چیز باید بستر لازم برای کاربرد عملی این رویکرد فراهم شود. لازم به ذکر است به‌کارگیری دارایی‌های اجتماع محلی و شناسایی دقیق توانمندی‌ها و ساکنین محله که شرط اول رویکرد توسعه دارایی‌مبنای اجتماع است، در این پژوهش اشاره نشده است.

در مقاله «ساماندهی سکونت‌گاه‌های غیررسمی با شیوه توانمندسازی» که در باقرشهر تهران مشکینی و همکاران (۱۳۹۰)، با شناخت ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی این شهر و محله باباجعفری، به تدوین و ارائه راهبرد جهت ساماندهی پرداخته‌اند. یافته‌های بخش شناخت در این بررسی، مشکلات و کمبودهای این محله است که این سطح از شناخت نمی‌تواند معیاری کافی برای نتیجه‌گیری و قضاوت درباره ساکنان و ارائه راهکار به‌منظور توانمندسازی محله باشد. همچنین استفاده از نظریاتی که ساکنان سکونت‌گاه‌های

غیررسمی را افرادی غیرتوانمند و حاشیه‌ای از لحاظ اجتماعی و اقتصادی می‌داند، تصویری صرفاً منفی از این بافت‌ها ارائه می‌دهد. در پایان این پژوهش راهکارهایی برای توانمندسازی و ساماندهی این محله ارائه شده است که در تناقض با یافته‌ها و دیدگاه‌های این بررسی است.

انستیتوی بین‌المللی کودی^۱ و انجمن زنان خویش‌فرما^۲ (هند) در سال ۲۰۰۱ تحقیقی در مورد نظارت و ارزیابی مشارکتی، در دانشگاه سن فرانسیس ژاویر کانادا به انجام رسانیدند. این پروژه با شعار "از آنچه داری استفاده کن تا آنچه را نداری تأمین کنی" انجام شده است. این موضوع زمینه را برای ساکنان روستاهای موردنظر فراهم کرد که برای بهبود چشم‌اندازها و ایجاد روابط نهادی و اجتماعی و ارتقا کیفیت زندگی، فرصت‌ها را شناسایی کرده و با یکدیگر همکاری کنند. هدف اصلی در این پژوهش تهیه یک برنامه توسعه خرد با استفاده از دارایی‌ها و مشارکت تمام بهره‌برداران بود. به همین منظور از ابزارها و روش‌های زیر استفاده شد:

- تشخیص، شناسایی و بسیج دارایی‌ها
- بسیج دارایی‌های محلی با فرصت‌های اقتصادی
- نظارت و ارزیابی فرآیند برنامه‌ریزی خرد

در این برنامه، تمامی مراحل شناسایی دارایی‌ها و بسیج آن‌ها به‌منظور ارائه برنامه در سطح خرد، با مشارکت ساکنان روستا انجام گرفت. در مرحله تشخیص دارایی‌ها و فرصت‌های روستا، ساکنان دورهم جمع شدند تا تمام دارایی‌هایشان را کشف کنند. نقشه‌ی ساده‌ای رسم کردند که روی آن دارایی‌های طبیعی و کالبدی مثل راه‌های ارتباطی، ساختمان‌ها، زمین‌های خصوصی، زمین‌های مشترک، زمین‌های زراعی و منابع آب مشخص شده است. همچنین مهارت‌ها و ظرفیت‌های فردی مردم، گروه‌ها و انجمن‌ها و نقشه ویژگی‌های اجتماعی روستا نیز فهرست شد. تهیه برنامه توسعه روستا توسط خود اهالی بزرگ‌ترین دستاورد این تجربه بود. از ابتدایی‌ترین قدم تا پایان کار، ساکنین از اقشار مختلف در این فرآیند شرکت کردند. این تجربه سبب شکل‌گیری روابط و شبکه‌های قدرتمندتری در بین اهالی شد. در تمامی مراحل این فرآیند، تمامی تمرکز بر دارایی‌ها و سرمایه‌های اجتماع محلی بوده است.

برخلاف پژوهش‌های خارجی در پژوهش‌های داخلی انجام‌گرفته (Kheyroddin et al, 2014: 71) در زمینه توسعه دارایی‌مبنای اجتماع در سکونت‌گاه‌های غیررسمی کشور، تنها به بررسی رابطه بین این سیاست و توسعه و توانمندسازی محله‌ها پرداخته‌شده و به‌کارگیری این رویکرد به‌عنوان ابزاری برای ساماندهی مدنظر این پژوهش‌ها نبوده است. درواقع شناخت دقیق و عمیق ساکنین و دارایی‌های آن‌ها و بسیج دارایی‌ها به‌منظور ساماندهی به‌نحوی که بر کمترین منابع بیرونی تکیه کنند، تاکنون در پژوهش‌ها در نظر گرفته نشده است؛ بنابراین در این پژوهش بر پایه فرآیند توسعه دارایی‌مبنای اجتماع، شناسایی دارایی‌های مردم محله فرحزاد و سپس بسیج آن‌ها به‌منظور ارتقاء شرایط زندگی و شأن اجتماعی انجام گرفته است.

۵. مبانی نظری

در این بخش مهم‌ترین مفاهیم و اصطلاحات پژوهش از جمله سکونت‌گاه‌های غیررسمی و توسعه دارایی مبنا مورد بازخوانی قرار گرفته‌اند تا به درک بهتر مفهوم توسعه دارایی مبنا و شناخت مراحل آن منتهی شود. مسکن غیررسمی یا سکونت‌گاه غیررسمی می‌تواند شامل هر نوع مسکن، سرپناه یا سکونت‌گاهی باشد که غیرقانونی است، از کنترل دولت خارج‌شده یا از طرف آن حمایت نمی‌شود (Roy, 2009: 80). این مناطق به دلیل شرایطی که دارند از آن با عنوان «وضعیت مقررات‌زدایی» یاد می‌شود یعنی جایی که مالکیت و کاربری زمین بر اساس قوانین موجود قابل تنظیم و نقشه‌برداری نباشد (Ibid: 81). ساکنان این مناطق از امنیت حقوق مالکیت برخوردار نبوده و دسترسی قابل‌اطمینان به امکانات شهری (آب آشامیدنی، برق و گاز، ایجاد جاده و نگهداری، خدمات اضطراری، بهداشت و جمع‌آوری زباله) را ندارند. از سویی دیگر نیز دولت به دلیل غیرقانونی و غیررسمی بودن قادر به گرفتن مالیات و اجاره از زمین نیست (Fernandes & Varley, 1998: 4). اصطلاح سکونت‌گاه غیررسمی مفهوم چترمانندی است که مناطق مختلفی با جمعیت غیررسمی را شامل می‌شود مناطقی چون زاغه‌ها، حصیرآبادها، آلونک‌نشینی، پشت‌بام‌خوابی، استقرار در حیاط پشتی منازل و حتی بی‌خانمانی. بر اساس تعریف ملل متحد سکونت‌گاه غیررسمی به مکانی اطلاق می‌شود که فاقد حداقل یکی از این شرایط باشد: دوام، فضای زندگی کافی، آب سالم و قابل دسترسی، سرویس بهداشتی کافی و امنیت حقوق مالکیت (UN-Habitat, 2006). سایچپین^۱ به زمین غیررسمی اشاره دارد و استفاده از هرگونه تأسیسات انسانی،

سکونت‌گاهی یا کاربری زمین در منطقه شهری که مناسب نیست یا با استاندارد و مقررات مخالف است را در این زمره قرار می‌دهد. از نگاه او، کاربری غیررسمی زمین شامل مسکن نابسامان در داخل یا در حاشیه شهر و مناطق دیگر که زمین خالی، قابل دسترسی و مقرون به صرفه دارد، است. بر اساس گفته سیرینیواس^۱ اسکان غیررسمی با استفاده غیرمجاز از مکان‌های خالی عمومی یا زمین خصوصی، تقسیم غیرقانونی و / یا اجاره زمین، ساخت‌وساز غیرمجاز سازه‌ها و ساختمان‌ها، اتکا به ضایعات کم‌هزینه و موجود در محل به جای مصالح ساختمانی استاندارد، عدم وجود ضوابط و مقررات محدودکننده، تکیه بر کار خانوادگی برای ساخت‌وساز، در دسترس نبودن وام مسکن یا هرگونه تسهیلات مالی دیگر همراه است (Olajide, 2010: 4-7).

مجمع جهانی شهری که توسط سازمان ملل در سال ۲۰۰۱ تأسیس شد، برنامه «شهرهای بدون زاغه‌نشین» را آغاز کردند. آنان از کلمه زاغه برای اشاره به «طیف گسترده‌ای از شهرک‌های کم‌درآمد با شرایط زندگی نامناسب» استفاده کردند. از آن زمان، نگرانی در مورد محله‌های فقیرنشین و ساکنان آن‌ها ایجاد شد و اقدامات سیاسی متفاوتی اتخاذ گردید که عبارت‌اند از: منشور سازمان ملل در مورد حق مسکن، اعلامیه جهانی حقوق بشر، استانداردهای برنامه اسکان بشر ملل متحد^۲ برای منازل فقیرنشین، دستور کار ۲۱، فصل ۷ و اهداف توسعه هزاره، هدف ۷ / هدف ۱۱. در همین راستا برنامه‌ریزی فیزیکی در مصر در سال ۲۰۰۸، سکونت‌گاه‌های غیررسمی را چنین تعریف کرد: «تمام مناطقی است که در اثر تلاش‌های فردی، اعم از ساختمان‌های یک طبقه یا چندطبقه، در غیاب قانون توسعه‌یافته و ساخته‌شده و از زمین‌هایی استفاده کرده‌اند که در طرح جامع شهر برای ساخت مسکن اختصاص داده نشده بود. ممکن است شرایط ساختمان‌ها خوب باشد؛ اما از نظر محیط‌زیستی یا اجتماعی ناامن باشد و همچنین دسترسی به خدمات اولیه چون آب و برق نداشته باشد» (GOPP, 2008).

بررسی تعاریف متعدد در ارتباط با اسکان غیررسمی بیانگر این مطلب است که به‌طور کلی، اسکان‌های غیررسمی ثمره تلاش عده‌ای انسان برای بقا و یافتن سرپناه است که اگرچه در نازل‌ترین سطح کیفیت انجام می‌گیرد اما از وقوع بسیاری از جرم‌ها جلوگیری کرده است. ساکنین این اجتماعات در مقایسه با دیگر اقشار مردم از سطح سواد و مهارت

1. Srinivas

2. UN HABITAT

توانمندسازی سکونت‌گاه‌های غیررسمی...؛ خیرالدین و صلاحی مقدم ۳۷

کمتری برخوردار هستند اما نباید منکر توانمندی‌های کسانی شد که توانسته‌اند با کمترین امکانات محیط زندگی خود را خلق کنند.

۵-۱ رویکردهای مواجهه با سکونت‌گاه‌های غیررسمی

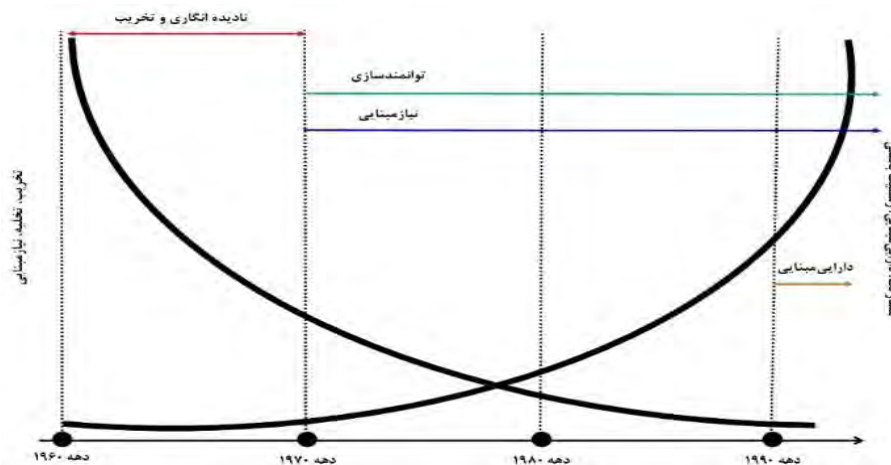
برخورد با سکونت‌گاه‌های غیررسمی در نظریه و عمل در طول ۴۰ سال اخیر، روند رو به رشدی را طی کرده است؛ اما به نظر می‌رسد حتی در رویکردهای اخیر هم دیدگاهی منفی نسبت به این سکونت‌گاه‌ها و ساکنانش وجود دارد. تأکید بسیاری از این رویکردها بر برآوردن نیازهای ساکنین بوده و توجه کمتری به سرمایه‌ها و توانمندی‌های خود ساکنان شده است. طیف برخورد با اجتماعات اسکان غیررسمی در جدول زیر (۱) نشان داده شده است تا در ادامه به گونه‌بندی رویکردهای ساماندهی مسائل سکونت‌گاه‌های غیررسمی نائل گردد.

جدول ۱. طیف برخورد با اجتماعات اسکان غیررسمی

نادیده گرفتن تشویق‌آمیز برای ارزان نگاه‌داشتن کارگران صنایع نوپای مونتاژ عمده دولتی اوایل ۱۹۶۰
نادیده گرفتن تنبیهی (اواخر دهه ۱۹۶۰ ندادن خدمات شهری همگانی آب-برق-گاز و ...)
تخریب بدون قید و شرط (از اوایل دهه ۱۹۶۰)
تخریب و تلاش برای بازگرداندن مهاجران به روستا (اوایل دهه ۱۹۶۰ به بعد)
تخریب با دادن زمین مجانی (اواسط دهه ۱۹۶۰ به بعد)
تخریب با دادن زمین ارزان، مصالح ساختمانی مجانی یا ارزان
تخریب و انتقال به مجتمع‌های مسکونی ارزان با قیمت یارانه‌ای (اواخر دهه ۱۹۶۰)
پروژه مکان و خدمات (دهه ۱۹۸۰)
بهسازی کالبدی در محل توسط دولت با شهرداری‌ها
بهسازی کالبدی از طریق تجمیع پلاک‌ها (اواسط دهه ۸۰ تا امروز)
بهسازی کالبدی برنامه توانمندسازی گروه‌های هدف (دهه ۹۰ میلادی)
بهسازی مشارکت محور جامع (دهه ۱۹۹۰)

(مأخذ: پیران، ۱۳۸۸، ۱۱)

طبق آنچه گفته شد ادبیات رویکردهای برخورد با سکونت‌گاه‌های غیررسمی، در طول زمان دگرگونی زیادی پیدا کرده است، از نادیده گرفتن و تلاش برای حذف گرفته تا به رسمیت شناختن و توجه به توانمند ساختن آنان. در شکل ۲، سیر برخورد با سکونت‌گاه‌های غیررسمی نشان داده شده است. همان‌طور که در شکل قابل‌مشاهده است از دهه ۱۹۹۰ توسعه‌داری مبنایی برای حل مسائل سکونت‌گاه‌های غیررسمی شدت بیشتری به خود گرفته است.



شکل ۲. سیر برخورد با سکونت‌گاه‌های غیررسمی از دهه ۱۹۶۰ تاکنون (مأخذ: نگارندگان)

۲-۵ رویکرد دارایی مبنا

در دو دهه گذشته، به تدریج رویکرد دارایی مبنا برای توسعه اجتماع محلی در برابر رویکرد مرسوم نیازمبنا مطرح شده و برخلاف توسعه نیازمبنا که مقوله‌ای و پیامدگرا است، بر ظرفیت‌سازی تأکید داشته و فرآیندگرا، جامع‌نگر و واجد اهمیت ابزاری است (رفیع‌پور و دیگران، ۱۳۸۹: ۹). سیاست توسعه دارایی مبنا مدلی مشارکتی است که در دهه ۱۹۷۰ در هنگام حذف مشاغل صنعتی از واحدهای همسایگی و مراکز شهری مورد توجه قرار گرفت. تغییرات اقتصادی منجر به ایجاد شغل‌های خدماتی بسیار حرفه‌ای و یا با دستمزد پایین شد که این مسئله فرصت‌های کمی برای بالا رفتن از پله‌های ترقی اقتصادی در اختیار فقرا قرار می‌داد. با راکد شدن شرایط شهرها، رویکردهای جدید برای هدف قراردادن فقر، سلامت عمومی، خدمات انسانی، آموزش و عدالت کیفری مورد توجه قرار گرفتند تا شهروندان بتوانند زندگی‌شان را دوباره بسازند (Stoltenberg, 2015:92). جان مکنایت و جان کرتزن به‌عنوان پیشگامان این رویکرد، یافته‌هایشان را در قالب کتابی با نام "ساختن جوامع از درون: مسیری به سمت یافتن و بسیج دارایی‌های اجتماع" در سال ۱۹۹۳ ارائه دادند (McKnight & Kretzmann, 1993). سپس در سال ۱۹۹۵، آن‌ها مدیران موسسه توسعه اجتماع دارایی مبنا شدند که یک پروژه تحقیقاتی موسسه‌ی تحقیقات سیاستی دانشگاه نورث‌وسترن برای انجام تحقیقات، تولید مواد و حمایت از جامعه مبتنی بر تلاش برای کشف ظرفیت‌های محلی و بسیج منابع شهروندان برای حل و فصل مشکلات آن‌ها به

شمار می‌رفت (Walker, 2006: 26). در واقع آن‌ها معتقد بر دیدن نیمه‌پر لیوان بودند تا به جای ایجاد وابستگی، با تقویت دارایی‌های موجود و افزایش ظرفیت‌ها با چالش‌های اجتماع روبرو شوند. دیدن نیمه‌پر لیوان به اندازه نیمه‌خالی آن، نه تنها انکار کردن مشکلات واقعی اجتماع نیست، بلکه بر این موضوع تأکید می‌کند که چگونه اعضای اجتماع می‌توانند به مشارکت برای توسعه اجتماع از طریق راه‌های بامعنا ادامه دهند (Mathie & Cunningham, 2002).

۵-۲-۱ ویژگی‌های رویکرد دارایی‌مبنا

توسعه دارایی‌مبنا راهبردی است برای توسعه پایدار اجتماع محور که با مکان‌یابی و فهرست دارایی‌ها، مهارت‌ها و ظرفیت‌های ساکنین، انجمن‌های شهروندی و مؤسسات محلی و همچنین ایجاد روابط، توسعه چشم‌انداز برای آینده و استفاده از منابع داخلی و خارجی برای دستیابی به اهداف آغاز می‌شود (McKnight & Kretzmann, 1993). استفاده از موفقیت‌ها در گذشته‌ی مشترک یک اجتماع به عنوان نقطه آغازین تغییرات در این رویکرد است (Mathie & Cunningham, 2002). چارچوب اساسی توسعه دارایی‌مبنا توسعه ارگانیک سرمایه اجتماعی است. توسعه دارایی‌مبنا یک راهبرد توسعه معتبر است؛ چراکه این فرصت را در اختیار جوامع و افراد قرار می‌دهد تا خودشان توسعه را به پیش ببرند و به‌دوراز نیروهای ساختاری وابستگی حرکت کنند (Stoltenberg, 2015:92). در واقع این رویکرد به مهارت‌ها، دانش، روابط و ظرفیت‌ها در اجتماع ارزش می‌نهد و ظرفیت، ارتباط و سرمایه اجتماعی را تقویت می‌کند. هدف نهایی رویکرد دارایی‌مبنا ایجاد تعادل بین دیدن نیازها و پرورش نقاط قوت و منابع مردم و جوامع است (GCPH, 2012:4). این رویکرد از طریق بسیج تمام منابعی که یک اجتماع محلی دارد و نه لزوماً آنچه موردنیازش است، ظرفیت‌سازی می‌کند. این ظرفیت‌ها شامل تمام دارایی‌های مالی، کالبدی و اجتماعی می‌شوند (عارفی، ۱۳۸۰). در واقع منابع اجتماع محلی نه تنها ویژگی‌ها و مهارت‌های فردی، بلکه شامل روابط بین مردم از طریق شبکه‌های اجتماعی، خویشاوندی و نهادی نیز می‌شود. با بسیج این شبکه‌های غیررسمی، منابع نهادی می‌توانند فعال شوند؛ مانند دولت محلی، سازمان‌های اجتماع‌محور رسمی و شرکت‌های خصوصی. در حقیقت، کلید رویکرد توسعه دارایی‌مبنا، قدرت انجمن‌های محلی است تا فرآیند توسعه اجتماع را به پیش برده و اهرمی برای حمایت‌های بیشتر شود. این انجمن‌ها وسایل نقلیه‌ای هستند که از طریق آن‌ها تمام

۴۰ فصلنامه برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای (علمی)، سال ششم، شماره ۱۷، تابستان ۱۴۰۰
 دارایی‌های اجتماع شناسایی و سپس به روش‌هایی که قدرت و تأثیرشان را تکثیر می‌کند،
 به یکدیگر اتصال یابند (Mathie & Cunningham, 2002).

۵-۲-۲ مراحل انجام فرآیند توسعه دارایی‌مبنا

- جمع‌آوری روایت‌های مستند از موفقیت‌های اجتماع و شناسایی ظرفیت‌های جوامع (تحقیق قدرشناسانه (AI))
- سازمان‌دهی یک گروه اصلی و بنیادی برای جلو راندن فرآیند
- آماربرداری کامل از ظرفیت‌ها و دارایی‌های افراد، انجمن‌ها و مؤسسات محلی
- ایجاد ارتباط بین دارایی‌های محلی برای حل مسئله متقابلاً سودمند در اجتماع
- بسیج تمام دارایی‌های اجتماع برای اهداف توسعه اقتصادی و به اشتراک‌گذاری اطلاعات
- گروه‌آیی گروه گسترده‌ای از نمایندگان برای ایجاد چشم‌انداز و برنامه اجتماع
- استفاده از فعالیت‌ها، سرمایه‌گذاری‌ها و منابع خارج اجتماع برای حمایت از توسعه دارایی‌مبنا (Mathie & Cunningham, 2002:6)
- توسعه اجتماع محلی دارایی‌مبنا برخلاف توسعه اجتماع محلی نیازمبنا، بر ظرفیت‌سازی تکیه دارد، فرآیندگرا، جامع‌نگر و واجد اهمیت ابزاری است (عارفی، ۱۳۸۰). در جدول شماره ۲، رویکردهای دارایی‌مبنا و نیازمبنا با یکدیگر مقایسه شده‌اند:

جدول ۲. مقایسه رویکرد دارایی‌مبنا و نیازمبنا

توسعه نیازمبنا	توسعه دارایی‌مبنا
پیامدگرا	فرآیندگرا
مکان-هدف	ظرفیت‌سازی از طریق بسیج دارایی‌ها و سرمایه‌های اجتماعی و کالبدی اجتماع محلی
به دنبال پیامدهای کالبدی مقوله‌ای	دیدگاهی جامع‌نگر نسبت به مسائل اجتماع محلی
هدف قرار دادن نشانه‌های فقر	سرمایه‌ها به‌عنوان ابزاری برای توسعه
ساده کردن فقر در حد مسائل کوچک ساده	استفاده از موفقیت‌ها در گذشته‌ی مشترک یک اجتماع
نادیده گرفتن پویایی و هم‌پیوندی مسائل اجتماعی	توسعه ارگانیک سرمایه اجتماعی
توسعه بر اساس کمبودها، تقاضاها و نیازهای ساکنین	ارزش دادن به مهارت‌ها، دانش، روابط و ظرفیت‌ها در اجتماع
ارائه‌دهنده تصاویر منفی از فقرا	تقویت ظرفیت، ارتباط و سرمایه اجتماعی
در نظر گرفتن نیازمندان بدون توجه به ظرفیت‌های جمعی، قابلیت‌ها و منابع آن‌ها	ایجاد تعادل بین دیدن نیازها و پرورش نقاط قوت مردم
افراد اجتماع به‌مثابه مشتری‌ها و یا مصرف‌کنندگان خدمات	بنا کردن جامعه بر روی مهارت‌های افراد محلی
تداوم فرهنگ استحقاق و یا وابستگی	تولیدکننده‌ی سرمایه
	افراد اجتماع به‌مثابه تولیدکننده و مالک

۶. معرفی کلی محله فرحزاد در شهر تهران

مناطق مختلف شهر تهران از زمان توسعه و نوسازی‌های اولیه در دوره ناصری و رضاشاه بنابه مختصات جغرافیای طبیعی و اقلیمی از تفاوت‌های اجتماعی و اقتصادی برخوردار شد. روند تفاوت مناطق مختلف شهری در دوره قبل از انقلاب از طریق طرح جامع اول تهران در دهه ۴۰ نه‌تنها تعدیل نشد بلکه به‌صورت دو قطب متفاوت اجتماعی و اقتصادی شمال و جنوب بروز فضایی یافت (Kheyroddin, 2008: 73). محدوده فرحزاد در شرق رود دره فرحزاد قرار گرفته که مساحتی در حدود ۱۰۳ هکتار و جمعیتی در حدود ۱۹۴۰۷ نفر را در بر گرفته است. قسمت عمده‌ای از بافت شهری محدوده فرحزاد شامل سکونتگاه‌های غیررسمی است. فرحزاد تا پیش از اینکه در محدوده شهر تهران قرار گیرد یکی از روستاهای مجاور شهر تهران بوده که سابقه سکونت در آن به چند صدسال پیش می‌رسد و از بسیاری از نقاط تهران قدمت بیشتری دارد. این در حالی است که پس از قرارگیری محله فرحزاد در محدوده اراضی شهری و تاکنون بین روستا و شهر در نوسان است و درعین حال هویت هیچ‌کدام را هم به‌تنهایی دارا نیست (دفتر خدمات نوسازی محله فرحزاد به نقل از فرهنگ، ۱۳۹۴:۹). محله فرحزاد در شمال غربی تهران و ناحیه ۹ شهرداری منطقه ۲ قرار گرفته است. این محدوده از جنوب به بزرگراه یادگار امام، از شمال به محدوده قانونی شهر، از شرق به خیابان تبرک و امامزاده داوود و از غرب به رودخانه و خیابان آبشار محدود می‌گردد (دفتر خدمات نوسازی محله فرحزاد به نقل از فرهنگ، ۱۳۹۴).



نقشه ۱. موقعیت محله فرحزاد در منطقه ۲ شهر تهران

محله فرحزاد در آخرین سرشماری نفوس و مسکن که در سال ۱۳۹۵ انجام گرفت، ۱۹۴۰۷ نفر جمعیت داشته است. محله فرحزاد به واسطه مهاجرپذیری خود، امروز شاهد حضور تکثر قومیت‌های گوناگون است اما متأسفانه رابطه چندان مناسبی بین اقوام مختلف برقرار نشده است. افراد هر قومی ترجیح می‌دهند تا در کنار هم قومی‌های خود باشند و بیشتر مراودات و تعاملاتشان با ایشان باشد. بعد از فارس‌ها، قوم ترک، کرد و افغان دارای بیشترین جمعیت در بین اقوام مختلف ساکن در محله هستند. در این محله، همبستگی بالایی درون اقوام مختلف وجود دارد که این انسجام در روابط بین قومیتی کمتر دیده می‌شود. (دفتر خدمات نوسازی محله فرحزاد به نقل از فرهاد، ۱۳۹۴).

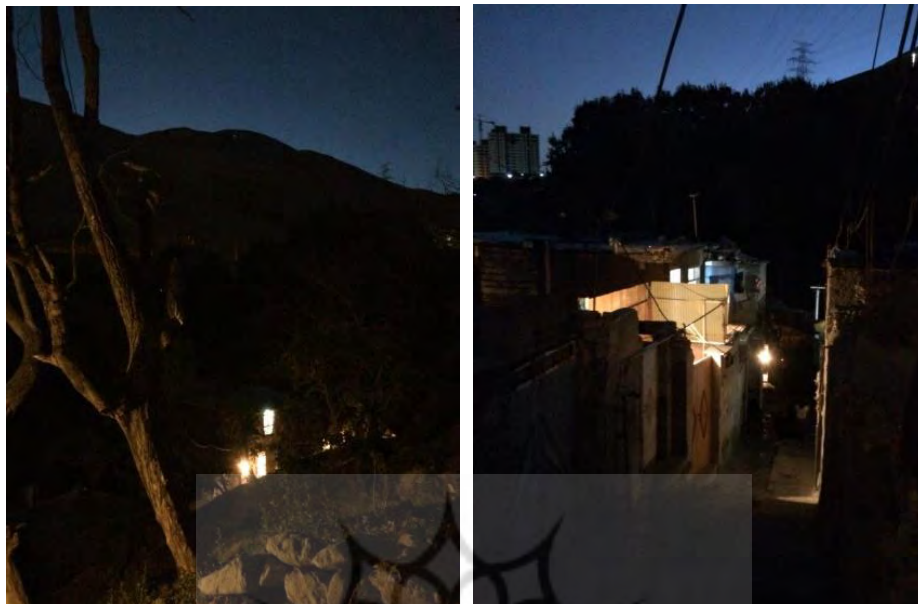
در حال حاضر مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی در محدوده فرحزاد، اعتیاد و خریدوفروش مواد مخدر، کودکان کار و زنان آسیب‌دیده است. حضور معتادان و بی‌خانمان‌ها در نقاط مختلف محله و به‌ویژه رودرره فرحزاد بسیار پررنگ است. تردد این

توانمندسازی سکونت‌گاه‌های غیررسمی...؛ خیرالدین و صلاحی مقدم ۴۳

افراد در روددره در ساعات تاریکی بیشتر شده و از آنجاکه خانوارهای زیادی در حاشیه روددره سکونت دارند، حضور این افراد سبب کاهش امنیت در این نقاط شده است و بسیاری از خانوارها تمایل دارند که از حاشیه رودخانه به دیگر نقاط محله نقل‌مکان کنند. یکی دیگر از معضلات محدوده فرحزاد، حضور کودکان کار است که در واقع فرزندان مهاجرین محله به‌ویژه افغان‌ها هستند. این مهاجرین دچار مسائل مختلفی از جمله فقر، اعتیاد و بیکاری سرپرستان خانوار و یا اشتغال به کارهای کاذب هستند. خانوارهایی که سرپرست آن‌ها به معضل اعتیاد و بیکاری دچار است برای گذران زندگی فرزندان خود را مجبور می‌کنند تا با انجام دادن کارهای کاذب مانند فال فروشی، دست‌فروشی و کار در معابر شهری، برای خانواده کسب درآمد کنند. این کودکان به دلیل حضور در نقاط مختلف و بعضاً ناامن شهر در معرض خطرات گوناگونی همچون تجاوز، اعتیاد، درگیری و ضرب و شتم و دیگر آسیب‌های اجتماعی هستند. در سال‌های اخیر سازمان‌های مردم‌نهاد مختلف با حضور در محله فرحزاد برای کاهش این آسیب‌ها تلاش نموده‌اند که در ادامه به معرفی آن‌ها پرداخته می‌شود.



شکل ۳. معابر محله و فرسودگی بافت (مأخذ: نگارنده، آذر ۱۳۹۵)



شکل ۴. خانه‌های حاشیه رودخانه در شب (مأخذ: نگارنده، مرداد ۱۳۹۶)

۷. گذر از رویکرد نیاز مبنا به توسعه دارایی مبنا

۱-۷ مرحله اول؛ بررسی موفقیت‌های گذشته ساکنان محله فرحزاد (تحقیق قدرشناسانه)

نقطه آغازین فهرست کردن دارایی‌های یک اجتماع، بررسی موفقیت‌های گذشته ساکنین در قالب یک اجتماع است. با شناخت دستاوردها، عناصر مثبت و ظرفیت‌های ساکنین که شاید خودشان نیز از آن آگاهی نداشته باشند، کشف می‌شود و می‌توان از آن‌ها برای اقدامات بعدی استفاده نمود. نه اینکه تأمین همه خدمات و نیازها دستور کار نوسازی بافت‌های مسئله‌دار باشد (خیرالدین و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۲). اگر دیدگاه ساکنان نسبت به محل سکونت خود مثبت باشد، تمایل بیشتری به بهبود وضعیت آن پیدا خواهند کرد. طبق مصاحبه‌ها با ساکنین قدیمی محله و مرور تجربیات آن‌ها از روند رشد و گسترش محله فرحزاد و توسعه آن، موفقیت‌های ساکنان شامل موارد ذیل است؛

در سال‌هایی که همه خانه‌های محله مجهز به آبلوله‌کشی نبودند، افرادی که این امکان را داشتند به همسایگان خود آب می‌دادند. این همکاری‌ها به صورت توافقی بین خود ساکنین انجام می‌شد. یکی از ساکنان زن قدیمی (۷۶ ساله) محله فرحزاد کمک و توافق

بین همسایگان را این‌گونه مطرح می‌کند:

"وقتی خیلی‌ها آب نداشتند، ما آب‌لوله‌کشی داشتیم و به همسایه‌ها آب می‌رسوندیم"

خاطرات ساکنان از ساختن خانه با دست خودشان مایه افتخار آن‌ها است. به‌مرور زمان بسیاری از افراد قدیمی از محله مهاجرت کرده و خانه‌های خود را به مهاجرین تازه‌وارد اجاره داده‌اند؛ اما هنوز هم تعداد افرادی که در محله به دنیا آمده و همچنان ساکن آن هستند نسبتاً بالاست. ساکنین به هنگام ساختن منازل خود، با یکدیگر همکاری می‌کردند و حمایت اقوام و خویشان و همسایگان جزء خاطرات مثبت ساکنین به شمار می‌رود. مهاجران تازه وارد و افغان‌ها، از خاطرات خوش‌برخورد سازمان‌های مردم‌نهاد با آن‌ها صحبت می‌کردند و معتقد بودند که در ابتدای حضور در محله و به‌هنگامی که به لحاظ شرایط زندگی در وضعیت مناسبی به سر نمی‌بردند، این سازمان‌ها با ارائه خدماتی منجر به بهبود وضعیت آن‌ها شده‌اند.

جمع‌آوری نامه و امضا به‌منظور رسیدگی به وضعیت رودخانه دره فرحزاد و آب رساندن به درختان این محدوده نیز از اقداماتی است که ساکنین به‌طور مشترک و با همکاری یکدیگر انجام داده‌اند.

محله فرحزاد تهران به دلیل بافت روستایی خود از گذشته تاکنون، از بافت منسجم و هم‌بسته‌ای برخوردار بوده است. علیرغم اینکه در دهه‌های اخیر و با گسترش شهر تهران، روند مهاجرت به‌ویژه مهاجران خارجی به محدوده زیاد شده است و محله ترکیبی از اقوام متنوع است - که بین این آن‌ها تفاوت‌ها و تنوع زیادی نیز وجود دارد - اما باز هم افراد محله در برابر موانع و مشکلات خارجی متحد شده و برای حل مسائل که منافع آن‌ها و یا تمامیت‌شان را تهدید کند، همکاری می‌کنند.

این همیاری و عمل جمعی در مطالعات انجام‌شده توسط دفتر نوسازی محله فرحزاد (سند توسعه محله، ۱۳۹۴) نیز اشاره شده است که مشاهدات نگارندگان از وضعیت محله را تأیید می‌کند. در سند نوسازی محله فرحزاد تهران آمده است که افراد محله علیرغم تفاوت‌های قومیتی، به‌هنگام بروز مسائلی که از خارج از محله به آن‌ها تحمیل می‌شود از انسجام بالایی برخوردار می‌گردند. برای مثال، از دستاوردهایی که از دیدگاه ساکنین موفقیت به‌حساب می‌آید، همکاری نکردن هماهنگ افراد در تجمیع پلاک‌ها به‌منظور نوسازی بافت فرسوده محله است. بسیاری از قطعاتی که از نظر دفتر نوسازی محله شرایط تجمیع را دارند متعلق به صاحبان رستوران‌های مجاور رود دره فرحزاد هستند که از اهالی قدیمی محله به‌شمار می‌روند. اگر از دیدگاه مدیریت شهری و متولیان نوسازی بافت‌های

۴۶ فصلنامه برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای (علمی)، سال ششم، شماره ۱۷، تابستان ۱۴۰۰

فروخته به این مسئله نگرینسته شود، عدم همکاری ساکنین در نوسازی پلاک‌های فروخته به معنای عدم تمایل ساکنین به مشارکت است که ریشه در بی‌اعتمادی به نهادهای دولتی و عمومی مانند سازمان نوسازی تهران را دارد؛ اما اگر این موضوع از دیدگاه خود ساکنین بررسی شود، نشانه‌ای از همکاری و انسجام بالای آن‌ها و اعتمادشان به یکدیگر را در دستیابی به منافع مشترک قلمداد می‌شود.

در مجموع موفقیت‌های پیشین اجتماع ساکن در محله فرحزاد تهران نشان‌دهنده‌ی اشتراکات و خاطرات مثبت گذشته است که می‌تواند به‌عنوان زمینه‌ای برای توسعه محله در آینده در نظر گرفته شود. جمع‌بندی از این موفقیت‌ها به شرح زیر است:

- اتحاد قوی در درون اقوام
- اتحاد و همبستگی بین اقوام به هنگام مواجهه با مسائلی که منافع جمعی آن‌ها را به خطر می‌اندازد
- ساخت محله و ایجاد امکانات به دست خودشان
- همکاری با یکدیگر به هنگام حل مسائل
- اعتماد ساکنین به سازمان‌های مردم‌نهاد و تعدیل بسیاری از آسیب‌های اجتماعی با همکاری مردم و این نهادها

۷-۲- مرحله دوم؛ برداشت ظرفیت‌ها و دارایی‌های محله فرحزاد و شناسایی ارتباط بین آن‌ها

در این بخش، سرمایه اجتماعی، دارایی‌های انجمن‌ها و نهادهای محلی، سرمایه انسانی و سرمایه کالبدی و طبیعی در محله فرحزاد معرفی می‌شود.

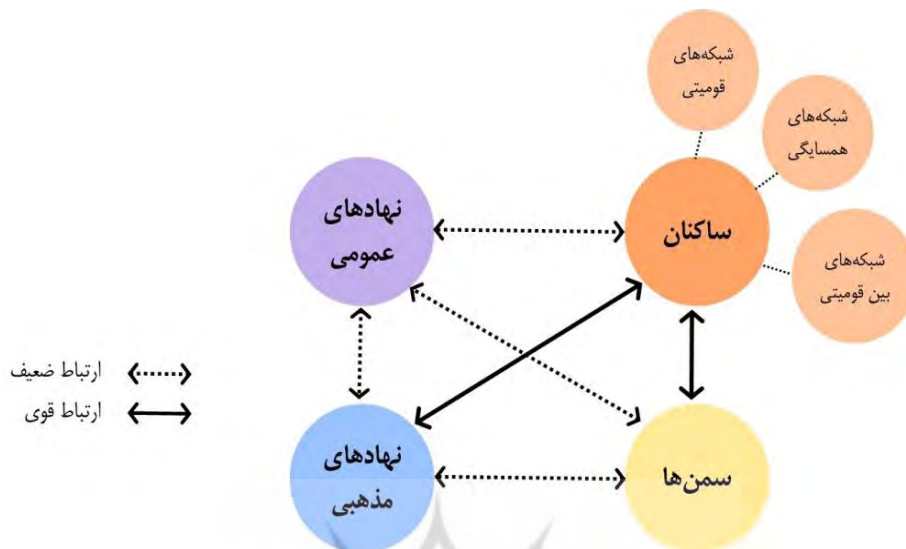
سرمایه اجتماعی: شناسایی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی به روش کمی از طریق پرسشنامه و مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته انجام شده است. معیارهای سنجش این مفهوم شامل انسجام اجتماعی، اعتماد، شبکه‌ها، مشارکت و عمل جمعی و همکاری، احساس امنیت و حس تعلق است.



شکل ۵. میانگین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در محله فرحزاد

با توجه به شکل ۵، میانگین گویه‌های تعلق خاطر (۳/۷۴) نسبت به دیگر مؤلفه‌ها بیشتر است که نشان‌دهنده دلبستگی ساکنین به محله فرحزاد علی‌رغم وجود بسیاری از مسائل و آسیب‌ها است. در مجموع تمامی مؤلفه‌ها در سطح متوسط رو به بالا ارزیابی می‌شوند که نشان از وجود سرمایه اجتماعی نسبتاً خوب در محله دارد.

شبکه‌ها: شبکه‌های بسیاری در محله فرحزاد وجود دارد که برخی از آن‌ها قوی‌تر و برخی ارتباطات ضعیف‌تری را به نمایش می‌گذارند. این شبکه‌ها را می‌توان به ۶ دسته تقسیم کرد: شبکه‌های قومیتی، شبکه‌های همسایگی، شبکه‌های بین قومیتی، شبکه‌های شکل‌گرفته بین مردم و نهادهای مذهبی و سمن‌ها (سازمان‌های مردم‌نهاد)، شبکه‌های بین مردم و نهادهای عمومی محله، شبکه‌های بین سمن‌ها، نهادهای مذهبی و نهادهای عمومی. در شکل ۶ این شبکه‌ها و ارتباط بین آن‌ها نمایش داده شده است.



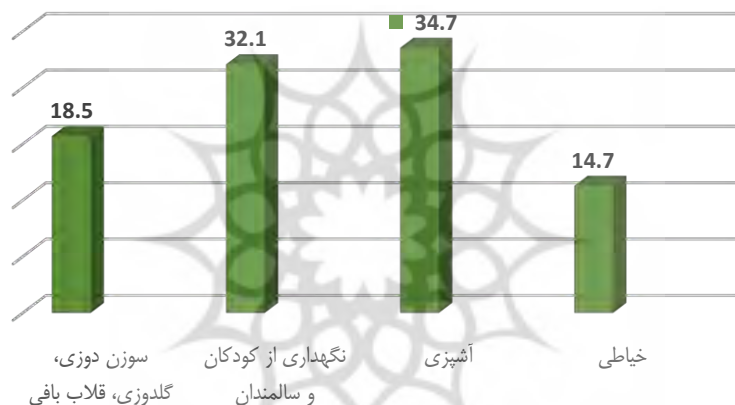
شکل ۶. شبکه‌های شکل گرفته در محله فرحزاد

بین نهادهای عمومی (سرای محله، شورایاری، دفتر خدمات نوسازی)، سمن‌ها و نهادهای مذهبی (مساجد، حسینیه‌ها، معتمدین) و ساکنان ارتباطات غیررسمی متعددی شکل گرفته که در کنار روابط درون قومی، همسایگی و بین قومی، یک شبکه اجتماعی را پدید آورده است. این روابط در بعضی از موارد بسیار قوی و در مواردی ضعیف ارزیابی شده است. همان‌طور که در شکل ۶ نشان داده شده است، روابط سمن‌های محله با ساکنین در دسته روابط قوی جای می‌گیرد. در مقابل، تعاملات بین سمن‌ها، نهادهای عمومی و نهادهای مذهبی جز به‌ضرورت انجام نمی‌گیرد و تنها برای رفع نیازهای بسیار ابتدایی است. به عبارتی هر یک از این سه هسته‌ی اصلی در محله، به‌صورت نسبتاً مستقل از یکدیگر فعالیت می‌کنند. از نکات قابل توجه دیگر، ارتباط ضعیف ۳ سمن موجود در محله (خانه علم جمعیت امام علی، مؤسسه مهروماه، مؤسسه رویش نهال جوان) با یکدیگر است. این مسئله‌ای است که تمامی این افراد در مصاحبه‌ها به آن اشاره نموده‌اند. رابطه نهادهای مذهبی محله با مردم قومیت‌های مختلف نیز در سطح قوی ارزیابی شده است. اعتماد شکل گرفته بین مردم و این نهادها به‌ویژه ساکنان ایرانی و بافت سنتی و مذهبی محله، سبب ایجاد پیوندی بسیار قوی بین مردم و نهادهای مذهبی شده است. این ارتباط بین افغان‌ها و نهادهای مذهبی مثل مساجد و حسینیه‌ها به سطح متوسط می‌رسد. دلیل این

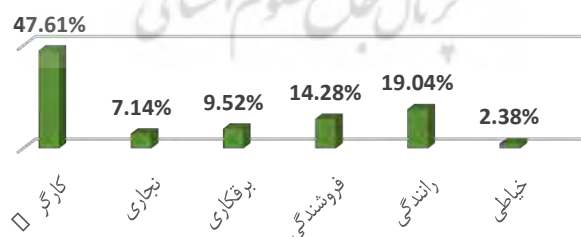
توانمندسازی سکونت‌گاه‌های غیررسمی...؛ خیرالدین و صلاحی مقدم ۴۹

امر انزوای اجتماعی افغان‌ها، سنی مذهب بودن و حضور غیرقانونی آن‌ها در کشور است که سبب می‌شود تا ارتباطی قوی بین این افراد و نهادهای مذهبی شکل نگیرد.

سرمايه‌های انسانی محله فرحزاد: با وجود محدودیت‌های آماربرداری از مهارت‌های فردی، شناسایی مهارت‌های مردم محله فرحزاد با توجه به تجربیات بررسی‌شده در سطح جهانی انجام شد. در این روش، مهارت‌های فردی در سه دسته مهارت‌های دست، سر و قلب تقسیم‌بندی می‌شوند. در نهایت نتایج به‌دست‌آمده در سه دسته مهارت‌های زنان، مهارت‌های مردان و مهارت‌ها، تجربه‌ها و استعداد‌های مشترک تقسیم‌بندی شده و در شکل‌های ۲ و ۳ به‌صورت جداگانه نشان داده شده است.

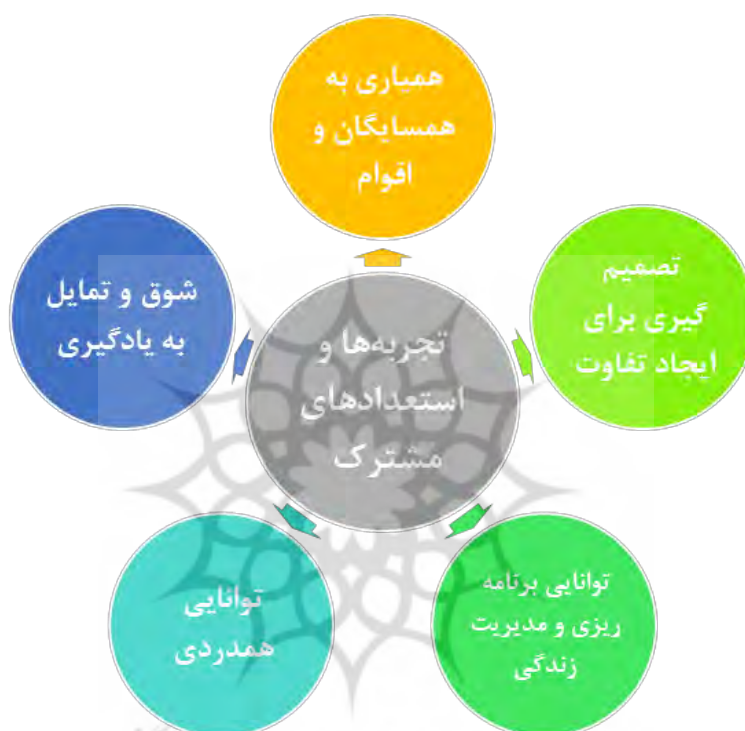


شکل ۷. مهارت‌های زنان در محله فرحزاد



شکل ۸. مهارت‌های مردان در محله فرحزاد

تجربه‌ها و استعداد‌های مشترک افراد در محله فرحزاد، سبب ایجاد پیوندهای عمیق بین ساکنان شده است و از دارایی‌های ارزشمند محله فرحزاد به شمار می‌آید. مهارت‌های مذکور ساکنان پتانسیل بالایی برای تبدیل به فرصت‌های اقتصادی با تکیه بر دارایی‌های خود ساکنان دارد که باید در ساماندهی محله فرحزاد مورد توجه قرار گیرد.



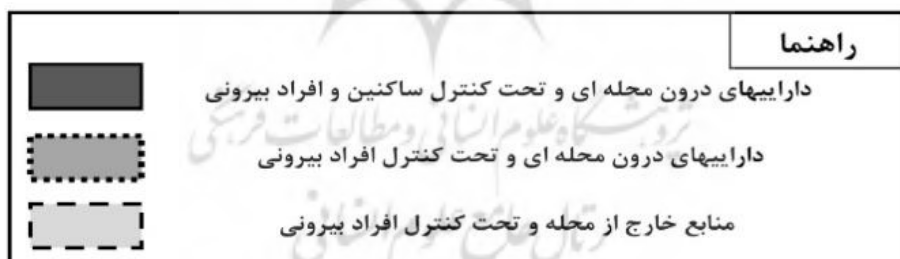
شکل ۹. تجربه‌ها و استعداد‌های مشترک افراد در محله فرحزاد

سرمایه‌های کالبدی و طبیعی محله فرحزاد: محله فرحزاد به دلیل داشتن بافتی روستایی و وجود باغات در حاشیه رودخانه‌ای که از رود دره‌های ارزشمند شمال تهران بوده و آب‌وهوای بسیار مطلوبی دارد، دارای سرمایه‌های ارزشمندی به لحاظ طبیعی است. در جدول زیر، این سرمایه‌ها معرفی شده است.

جدول ۴. سرمایه‌های کالبدی و طبیعی محله فرحزاد

سرمایه‌های طبیعی	سرمایه‌های کالبدی
رود دره فرحزاد دسترسی به چشم‌انداز کوه و شهر تهران باغات و درختان کهن‌سال در محدوده قرارگیری در جهت باد غالب تهران	پارک‌ها و مدارس مساجد، حسینیه‌ها و ابنیه ارزشمند (مسجد ظخالیها، مسجد امام خمینی، حسینیه فرحزاد، امامزاده ابوطالب) رستوران‌های فرحزاد و محور فرحزادی دفتر خدمات نوسازی محله فرحزاد سرای محله فرحزاد پایگاه خدمات اجتماعی نزدیکی به شبکه بزرگراهی تهران درمانگاه فرحزاد، کتابخانه و باشگاه ورزشی محله

در ادامه این بخش به شناسایی و نقشه‌برداری از تمامی دارایی‌های محله فرحزاد پرداخته شد که خروجی آن نقشه دارایی‌های محله است که پایه‌ی اقدامات بعدی، یعنی بسیج و به‌کارگیری آن‌ها در ساماندهی این سکونت‌گاه است.



شکل ۱۰. دارایی‌های محله فرحزاد تهران

همان‌طور که در شکل ۱۰ مشخص است، محله فرحزاد بر بستری از دارایی‌های طبیعی قرار گرفته است. این منابع توسط افراد بیرون از محله کنترل می‌گردد، اما ظرفیت‌های لازم به‌منظور کنترل این دارایی‌ها توسط خود مردم نیز وجود دارد. برای مثال رود دره فرحزاد در حال حاضر به حال خود رها شده است ولی می‌توان با استفاده از همکاری و اعتماد بین

توانمندسازی سکونت‌گاه‌های غیررسمی...؛ خیرالدین و صلاحی مقدم ۵۳

ساکنان و نهادهای محلی به بهبود وضعیت آن کمک نمود. همچنین محله فرحزاد دارای طرح نوسازی است و در طرح تفصیلی منطقه ۲ شهر تهران نیز طرح‌های موضعی و موضوعی برای آن در نظر گرفته شده است. این امر نشان می‌دهد که ساماندهی محله مورد توجه نهادهای بالادست قرار دارد اما نحوه تهیه این طرح‌ها و در نظر گرفتن منافع عمومی و واقعیت‌ها و نحوه اجرایی شدن آن‌ها، نیاز به بازنگری‌های اساسی دارد. نکته قابل توجه، دارایی‌های درون محله‌ای است که هم توسط ساکنان و هم نهادهای مردمی اداره می‌شوند. برای مثال اداره سازمان‌های مردم‌نهاد محله با کمک داوطلبانی که در خارج از محله زندگی می‌کنند اداره می‌شود اما به دلیل اعتمادی که در مردم ایجاد نموده‌اند، ساکنان، آن‌ها را نه به‌عنوان نهادی خارجی و از بالا تعیین‌شده، بلکه جزئی از محله و ساختار آن می‌دانند. همچنین ساکنان نیز با داشتن مسئولیت‌هایی در این سمن‌ها در اداره آن‌ها نقش داشته و بعضاً از این طریق کسب درآمد می‌نمایند. تمامی دارایی‌های برداشت‌شده در این محله در واقع بخشی از فرآیند ساماندهی هستند و ضرورت دارد تا با بسیج این سرمایه‌ها، اقدامات عملی به‌منظور ساماندهی ارائه شوند.

۳-۷ مرحله سوم؛ بسیج تمام دارایی‌های اجتماع برای اهداف توسعه اقتصادی و به اشتراک‌گذاری اطلاعات.

پس از جمع‌آوری اطلاعات و نقشه‌برداری از سرمایه‌های متنوع محله، پژوهش وارد مرحله بعدی یعنی بسیج و ارتباط دادن سرمایه‌ها و ظرفیت‌های آن به‌منظور ارائه راه‌حل، خواهد شد. این مرحله نیز همانند دیگر مراحل رویکرد توسعه دارایی مبنا باید با حضور نمایندگان اهالی، سمن‌ها و نهادهای مذهبی و عمومی محله صورت گیرد. قبل از بسیج دارایی‌های محله، شناخت مهم‌ترین مسائل و چالش‌ها ضرورت اساسی دارد. از همین رو مسائل مختلف محله از طریق مطالعه اسناد فرادست و پیمایش‌های میدانی، نظرات مطرح‌شده از جانب ساکنان، صاحب‌نظران، معتمدین محل و سمن‌ها به‌دست آمده و به ترتیب زیر اولویت‌بندی شده است:

- آسیب‌های اجتماعی (اعتیاد، کودکان کار، خانواده‌های آسیب‌دیده)

- فرسودگی و ناپایداری بافت محله

- اشتغال در مشاغل غیررسمی و غیرتخصصی

به‌منظور ساماندهی محله فرحزاد به لحاظ اجتماعی، اقتصادی و کالبدی، اهداف با توجه به اولویت‌ها تعیین‌شده و سپس راهکارهای و برنامه‌های دستیابی به این اهداف بر پایه

۵۴ فصلنامه برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای (علمی)، سال ششم، شماره ۱۷، تابستان ۱۴۰۰
 دارایی‌های اجتماع محلی و بسیج آن‌ها تدوین شده است که به‌طور خلاصه در جدول شماره ۴ ارائه گردیده است.

جدول ۵ برنامه‌های اقدام، زمان‌بندی، اولویت، مکان اجرا و نهاد مجری (توانمندسازی اجتماعی و اقتصادی و بهبود شرایط زیست)

هدف	برنامه‌ها	مکان اجرا	نهاد مجری	اولویت	زمان‌بندی
کاهش آسیب‌های اجتماعی	تخصصی‌تر نمودن مهارت‌های مردم از طریق آموزش‌های حرفه‌ای به ساکنین	خانه علم، موسسه مهر و ماه، موسسه رویش نهال، پایگاه خدمات اجتماعی فرحزاد، سرای محله	سمن‌ها و سرای محله، مهارت‌های ساکنین	اول	میان‌مدت
و توانمندسازی اقتصادی	برگزاری کلاس‌های آموزشی و مهارت‌های زندگی به شکلی منسجم‌تر	خانه علم، موسسه مهر و ماه، موسسه رویش نهال، پایگاه خدمات اجتماعی فرحزاد، حسینیه فرحزاد	سمن‌ها و نهادهای مذهبی	دوم	کوتاه‌مدت
برنامه‌های اقدام به‌منظور	ایجاد بازارچه خوداشتغالی	زمین‌های بایر و مخروبه	سمن‌ها، نهادهای مذهبی و معتمدین، شهرداری	اول	میان‌مدت
شرایط کالبدی و زیست‌محیطی	فرهنگ‌سازی برای حفاظت از محیط‌زیست	پارک‌های محله، سمن‌ها و نهادهای مذهبی، مدارس، سرای محله	تمامی کنشگران محلی	سوم	بلندمدت
محله فرحزاد	جمع‌آوری زباله‌های رود دره با برگزاری پیاده‌روی خانوادگی در محله	رود دره فرحزاد	تمامی کنشگران محلی	اول	کوتاه‌مدت

با توجه به مسائل موجود در محله و تأثیرگذاری آن‌ها بر یکدیگر، راهکارهای مربوط به کاهش آسیب‌های اجتماعی و توانمندسازی اقتصادی و بهبود شرایط کالبدی در بعضی موارد از اولویت یکسانی برخوردارند؛ به‌عبارت‌دیگر، شرط لازم و کافی برای اجرایی شدن یک راهکار در زمینه مسائل اجتماعی، بهبود شرایط کالبدی در محله است. در حال حاضر با توجه به اینکه شهرداری تهران درصدد اجرای طرح پیوستن رود دره فرحزاد به پارک نهج‌البلاغه است و به این منظور منازل حاشیه رودخانه باید تخریب شوند، رسیدگی به وضعیت اسکان خانوارهای ساکن در حاشیه رود، پاک‌سازی آن از معتادان، حفظ و نگهداری از درختان و بستر رود، می‌تواند از جمله برنامه‌هایی باشند که به این فهرست اضافه شود. در مرحله بعد، اقدامات مربوط به تقویت انسجام بین قومی، تقویت روابط بین نهادهای مردمی

و مذهبی در محله و توانمندسازی اقتصادی در اولویت دوم ساماندهی محله فرحزاد قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

این مقاله ضمن بررسی ضرورت گذر از رویکرد نیاز مبنایی به توسعه دارایی‌مبنا، ساماندهی و توانمندسازی سکونت‌گاه غیررسمی فرحزاد را به‌عنوان مصداق مطالعه موردبررسی قرارداد. بر همین اساس دارایی‌های محله فرحزاد شناسایی و مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج بررسی‌ها نشان داد که سرمایه‌ی اجتماعی در محله فرحزاد تهران به‌عنوان یکی از دارایی‌های آن، در مؤلفه‌های حس تعلق، انسجام اجتماعی، مشارکت و عمل جمعی در وضعیت مطلوب‌تری قرار دارد. همچنین با ارزیابی روابط درون قومی و بین قومی، فعالیت‌های سمن‌ها در محله و شناخت ارتباطات آن‌ها با مردم و دیگر نهادها، به تحلیل شبکه‌ای این روابط پرداخته شد که نشان از روابط قوی درون‌قومی و همچنین ارتباطات قوی سمن‌ها با قومیت‌ها در محله دارد. پس از شناسایی روابط و سرمایه‌های اجتماعی، مهارت‌ها و تجارب فردی ساکنان به تفکیک، مهارت‌های زنان و مردان و تجربه‌های مشترک به دست آمد. این دارایی‌ها در کنار سرمایه‌های طبیعی و کالبدی محله مانند رود دره فرحزاد، باغات، زمین‌های بایر و مخروطه و چشم‌انداز به کوهستان، محله فرحزاد را دارا و توانمند ساخته است که زمینه را برای بسیج آن‌ها آماده می‌سازد. به همین منظور، در انتهای مقاله نیز به‌منظور ساماندهی و توانمندسازی سکونت‌گاه غیررسمی فرحزاد، به بسیج دارایی‌ها بر پایه منابع اجتماع محلی و ظرفیت‌های فردی پرداخته شد تا به راهکارهایی برای حل مسائل این محله نائل شود. هدف کلی از بسیج دارایی‌ها، ساماندهی محله به دست خود ساکنان بوده است تا از این طریق بتوان کمک‌های نهادهای غیر محلی را نیز جلب نمود. البته باید توجه داشت که این کمک‌ها بهتر است مانند قرض گرفتن باشد تا افراد محلی در چرخه وابستگی و نیازمندی گرفتار نشوند. با این حال تمامی این اقدامات و برنامه‌ها در جهت ساماندهی محله فرحزاد است و مسئله اصلی که در واقع چرایی و چگونگی پیدایش چنین سکونت‌گاه‌هایی است با این اقدامات مرتفع نخواهد شد و لازم است تا با برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و اجتماعی در سطوح بالاتر مانع از شکل‌گیری این نوع از اسکان شد. با توجه به آنچه در این مقاله به آن پرداخته شد شرط لازم برای پایداری توانمندسازی سکونت‌گاه غیررسمی فرحزاد و سایر اسکان‌های غیررسمی، گذر از رویکردهای نیاز مبنا به سوی رویکرد دارایی مبنا و توجه به دارایی‌های ساکنان است.

منابع

- ایراندوست، کیومرث و صرافى، مظفر. (۱۳۸۸). "یأس و امید در سکونت‌گاه‌های غیررسمی، نمونه موردی شهر کرمانشاه". *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال هفتم، شماره ۲۶.
- پیران، پرویز. (۱۳۸۱). "باز هم در باب اسکان غیر رسمی-مورد شیرآباد زاهدان"، *هفت شهر*، شماره ۹ و ۱۰.
- پیران، پرویز. (۱۳۸۷). "از اسکان غیررسمی تا اسکان نایابی: در جستجوی راه‌حل"، *هفت شهر*، شماره ۲۳.
- پیران، پرویز. (۱۳۸۸). "از اسکان غیررسمی تا اسکان نایابی: در جستجوی راه‌حل"، *هفت شهر*، شماره ۲۹-۳۰.
- خیرالدین، رضا؛ فروهر، امیر و ایمانی، جواد. (۱۳۹۲). "توسعه هدفمند ایستگاه‌های مترو؛ از قطب‌بندی فضایی تا یکپارچگی شهری در تهران (نمونه‌های مورد مطالعه: ایستگاه دکتر شریعتی و ایستگاه میدان شهدا)", *نشریه علمی-پژوهشی باغ نظر*، دوره ۱۰، شماره ۲۷ ص ۱۵ تا ۲۶.
- رضازاده، راضیه؛ محمدی آیدغمیش، آیدا و رفیعیان، مجتبی. (۱۳۹۲). «نقش رویکرد دارایی‌مبنا در توسعه پایدار محلی (مطالعه موردی: محله امامزاده حسن تهران)»، *فصلنامه علمی-پژوهشی باغ نظر*، شماره ۲۵.
- رضاییان، مهدی و پیری، عیسی. (۱۳۹۳). "امکان سنجی توانمندسازی سکونت‌گاه‌های غیررسمی بر بنیان سیاست‌های دارایی‌مبناى توسعه اجتماعات محلی، نمونه موردی: سکونت‌گاه‌های غیررسمی کلان‌شهر تبریز"، *فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات شهری*، شماره دهم، صفحه ۶۳ تا ۷۲.
- رفیع‌پور، سعید؛ داداش‌پور، هاشم و رفیعیان، مجتبی. (۱۳۸۹). "بررسی ظرفیت‌های سرمایه اجتماعی در چارچوب برنامه‌ریزی محله‌مبنا، نمونه مورد مطالعه: محله فیروزسالار گرگان"، *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، دوره ۱، شماره ۳.
- صرافی، مظفر. (۱۳۸۱). "به‌سوی نظریه‌ای برای ساماندهی اسکان غیر رسمی-از حاشیه‌نشینی تا متن‌شهرنشینی"، *فصلنامه هفت شهر*، شماره ۸، صص ۵-۱۱.
- صرافی، مظفر. (۱۳۸۱). "به‌سوی تدوین راهبرد ملی ساماندهی اسکان غیررسمی-از پراکنده‌کاری گزینشی تا همسویی فراگیر"، *هفت شهر*، شماره ۹ و ۱۰.
- عارفی، مهیار. (۱۳۸۰). "به‌سوی رویکرد دارایی‌مبنا برای توسعه اجتماع محلی"، *نشریه*

هنرهای زیبا، شماره ۱۰.

محمدی، علیرضا و صرافی، مظفر. (۱۳۸۴). "شکل‌گیری و گسترش اسکان غیررسمی: علل، چالش‌ها و راهبردها، مطالعه موردی: محله ترانس در شهر زنجان"، *نشریه دانشکده علوم زمین*، شماره یازدهم، صفحات ۵۹ الی ۷۹.

مشکینی، ابوالفضل؛ سجادی، ژیلا؛ دین‌دوست، جواد و تفکری، اکرم. (۱۳۹۰). "ساماندهی سکونت‌گاه‌های غیررسمی با شیوه توانمندسازی، نمونه موردی: باقرشهر، محله بابا جعفری"، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، شماره سوم، شماره پیاپی ۱۰۲، صفحه ۱۲۳ تا ۱۴۸.

مهندسین مشاور فرهاد. (۱۳۹۴). *سند توسعه محله فرحزاد تهران*، سازمان نوسازی شهر تهران

مهندسین مشاور سراوند. (۱۳۸۴). *طرح تفصیلی منطقه ۲ شهر تهران، وزارت راه و شهرسازی*.

وزارت راه و شهرسازی، شرکت عمران و بهسازی شهری ایران. (۱۳۹۳). *سند ملی راهبردی احیاء، بهسازی و نوسازی و توانمندسازی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری*.

Fernandes, Edesio, and Ann Varley, (Eds.). (1998). *Illegal Cities: Law and Urban Change in Developing Countries*. London: Zed Books.

General Organization for Physical Planning. (2008). *Development of Regional Physical Planning Centers*.

Glasgow Center for Population Health. (2012). *Putting Asset Based Approaches into Practice: Identification, Mobilization and Measurement of Assets*.

Kheyroddin, Reza. (2008). "Spatial Justice or Social Polarization in North and South of Tehran? By Urban Renovation Policies in Tehran metropolis during 1992-2007". 48th Congress of the European Regional Science Association, Cohesion and Competitiveness: Regional Perspectives, Liverpool, UK, 27-31 August 2008. University of Liverpool: ERSA, 2008, 15p.

Kheyroddin, Reza, A. Taghvaae and A. Foruhar. (2014). "The Influence of Metro Station Development on Neighbourhood Quality, The Case of Tehran Metro Rail System". *International Review for Spatial Planning and Sustainable Development*, Vol2, No2, PP: 64-75, SPSD Press, Kanazawa, Japan.

Kretzman, JP., and JL. McKnight. (1993). "Building Communities from the Inside Out: A Path Toward Finding and Mobilizing a Communities Assets". *Institute for Policy Research*.

- Mathie, Alison, and, Gord Cunningham. (2002). "From Clients to Citizens: Asset-Based Community Development as a Strategy for Community-Driven Development". *COADY International Institute*.
- Oluwafemi, Olajide. (2010). "*Urban Poverty and Environmental Conditions in Informal Settlements of Ajegunle, Lagos Nigeria.*" REAL CORP 2010 Proceedings/Tagungsband Vienna, 18-20 May 2010 – <http://www.corp.at>
- Roy, Ananya. (2009). "Why India Cannot Plan Its Cities". *Planning Theory*. 8 (1): 76-87.
- Stoltenberg Bruursema, Cherry. (2015). "Asset-Based Community Development: A Path toward Authentic Community Development Practice". *SPNHA Review*: Vol. 11: Iss. 1, Article 7.
- UN-Habitat. (2006). "*Slums: Some Definitions.*"
- Walker, John. (2006). "*Building from Strength, Asset-Based Community Development*". Northeast Assets Leadership Project, Winter 2006, p 25-27.

